

خوش نویسی مشهد به این مرد بدهکار است

گفت وگویی اختصاصی با استاد علیرضا کدخدایی، خوش نویس مطرح مشهدی، بعد از ۱۲ سال سکوت



ملیحه ابراهیمی یزدی

یکی دوساعت مانده به دیدار، زمان ملاقات را پیامک می‌کند. منظور ش این است: حواست به ساعتی باشد که قرار داریم. با تکیه بر عیاض در همان جای همیشگی ایستاده است. در ست پای میز هشت نفره چوبی‌ای که به میز کارش ختم می‌شود. نزدیک اذان مغرب است. تنها نور خانه‌اش چراغ مطالعه روی میز کارش و لامپ ۱۰ واتی بغل دیوار است که روبه‌روی تلویزیون روشن است تا تصویر بزرگ استاد امیرخانی را بهتر ببیند. آهسته به سمت آشپزخانه می‌رود. به تماشا نشستن درود یوار خانه اش هر بار جذابیت خودش را دارد، تصویر رنگی و سیاه‌وسفید استاد موسیقی و آواز ایران،



محمدرضا شجریان که با دست خزش تقدیم به استاد علیرضا کدخدایی شده است و صدای آرام آلبوم «آسمان عشق» که از بلندگوی سیستم صوتی پخش می‌شود و قاب عکس چوبی سیاه‌وسفید پدر بزرگ مادری اش، پهلوان علی اصغر زورمند بهرامی، که ۱۰۲ سال سن داشت و بیش از هفتاد سال راننده ماشین‌های سنگین بود. کلیات اشعار خیام، بوستان و گلستان سعدی، مثنوی معنوی مولانا و... داخل قفسه‌ها را گذرانگاه می‌کنم. صدای آواز پرندگان گنجاکاوم می‌کند. از جابرمی خیزم و پرده را کنار می‌زنم. بیرون دنبالشان نکرد. قفسشان بالای کتابخانه است، این جمله را می‌گوید و سینی چوبی چای را روی میز می‌گذارد.

از آخرین باری که با استاد علیرضا کدخدایی گفت‌وگو داشتم حدود چهارده سالی می‌گذرد. آخرین روزهای هفته‌نامه شهرآرا بود که به سراغش رفتم. همان‌طور که چای کیسه‌ای را از لیوان آب جوش

بیرون می‌آورد، می‌گوید: «از آن سال به بعد با هیچ رسانه‌ای مصاحبه نکرده‌ام. آن زمان به بهانه چهل و نهمین نمایشگاه هنر خوش نویسی اش که در چهارسوق هنر کوهستانی در سال ۱۳۸۸ در مشهد برگزار کرده بود، در صفحه هنر هفته‌نامه شهرآرا، گفت‌وگویی مفصلی با او داشتم. از افتخاراتش می‌گفت که از سال ۱۳۶۵ از ایده‌ها و برنامه‌های هنری‌اش بود. آثارش را ورق می‌زد و از آینده‌ای صحبت می‌کرد که برای هنرش ترسیم کرده بود.

فراموش نمی‌کنم آن روزها چگونه با آب‌وتاب از ایده‌ها و برنامه‌های هنری‌اش سخن می‌گفت که متأسفانه بازی روزگار او را از اجرای بخش بزرگی از آن‌ها بازداشت. حالا به بهانه برگزاری پنجاهمین نمایشگاه انفرادی‌اش با عنوان «شکسته درست»، در تهران به سراغش رفتم‌ام و یک‌بار دیگر باب گفت‌وگوب‌او را باز کرده‌ام.

خوش نویسی شهرمان رقتم تا علاوه بر ارسال آثارشان به جشنواره‌های کشوری و همچنین انجمن خوش‌نویسان مشهد حرفی برای گفتن داشته باشند و مقام‌های اول تا سوم را از آن خود کنند) دلم می‌گیرد.

یادش به‌خیر! در دیداری‌های متعددی که سالیان پیش با هربرمغلم انقلاب داشتم، هشت اثرم را به ایشان هدیه دادم که امروز ۳ اثر از آن‌ها در موزه حرم است.

- از آخرین فعالیت هنری‌تان چقدر می‌گذرد؟

نمایشگاه «قلعات طلایی» با ورق طلا در سال ۱۳۹۰ آخرین نمایشگاه انفرادی‌ام در کشور مالزی بود که ۲۵ اثر را در معرض دید علاقه‌مندان به هنر خوش نویسی قرار داد.

- طی این سال‌ها چگونه با سختی‌های فعالیت هنری کنار آمدید؟

از سال‌های سختی که بر من گذشت گلابه ندارم. از سال ۱۳۸۶ که از انجمن خوش‌نویسان مشهد بیرون آمدم تا سال ۱۳۹۹ که بیمار بودم و در همان سال با ورود کرونا قلب، کبد و ریه‌ام درگیر شد کسی سراغم را نگرفت. تنها در روزهای سخت بیماری در سال گذشته که دکترها جوامم کرده بودند، چند نفری از انجمن به عیادتم آمدند.

بگذریم، از سال ۱۳۸۷ شروع به نوشتن اشعار خیام کردم. هر رباعی یک اثر هنری. ۱۷۸ رباعی‌راطی دو سال خوش‌نویسی کردم. هشتاد اثر را به هفت مجموعه‌دار فروختم. هم‌زمان با تحولات اقتصادی در کشور و افزایش نرخ دلار، چک‌های آثاری که فروخته بودم، فروخت شد و مجموعه‌دارها آثار را برگردانند. ۶۰ میلیون تومان از ۸۰ میلیون تومان چک‌ها را خرج کرده بودم و این قضیه باعث شد دچار مشکلات مالی شوم. پرداخت دیون مجموعه‌داران یازده سالی به‌طول انجامید. در این مدت معنای بی‌کس بودن را با گوشت و پوست و استخوانم لمس کردم.

در این ایام آشنایان، غریبه شده بودند تا اینکه به‌واسطه دوستی‌ای که از قبل با مهندس وحدتی، مدیرعامل وقت توانیر، داشتم بحران را پشت سرگذاشتم. این دوست و همراه روزهای سخت بعد از دوران بازنشستگی برای رفع مشکلات مالی‌ام خیلی از خود مایه گذاشت. دلگیری سال‌هایی که ساکت بودم از مشکلات مالی نبود، از بی‌کسی بود، باین‌حال در آن‌روزها از یادگیری و تحقیق هنر روز خوش‌نویسی غافل نبودم. خوش‌نویسی تلفیق با طلا، خط و رنگ و خط و نقاشی و... را تجربه کردم. روی خط شکسته که کار تخصصی‌ام بود، بیش از گذشته تحقیق کردم که حاصلش باز می‌گردد به نمایشگاهی که این روزها در نگارخانه «ترانه باران» در تهران در حال برگزاری است.

- چه شد که تصمیم به برگزاری نمایشگاه «شکسته درست» گرفتید؟

در سال‌هایی که مشکلات مالی داشتم مجبور شدم آثارم را با اختلاف زیاد- زیر قیمت بفروشم تا دین مردم را بدهم.

مجموعه‌ای از آثارم را به واسطه سه نفر از دوستانم، آقایان دشت بیاض و هاشمی و خانم نخعی، به مجموعه خصوصی‌شان فروختم و امروز ۱۷ اثر در دانگ جلی (اندازه ۶ قم میلی متر تا دو سانتی متر) در نگارخانه «ترانه باران» در معرض دید عموم است.

- چرا نگارخانه «ترانه باران» را برای نمایش آثارتان انتخاب کردید؟

این نگارخانه جزو مهم‌ترین نگارخانه‌های کشور است، به این دلیل که به‌صورت تخصصی در حوزه خط و خوش‌نویسی فعالیت می‌کند و در دهه اخیر بر هنر ایرانی اسلامی تمرکز دارد.

- کلام آخر؟

مردم‌ولی نعمت هنرمندان هستند. خرید یک اثر هنری صرفاً خرید یک تابلو نیست، بلکه نگهداری از میراث فرهنگی کشور است که در آینده ارزش افزوده خواهد داشت.

ایستگاه خبر

عادل تیریزی، فیلم‌ساز مشهدی:

فیلم کوتاه مهم‌ترین امید همه فیلم‌سازان است



جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران مهم‌ترین اتفاق فیلم‌کوتاه‌ومهم‌ترین امید همه فیلم‌سازانی است که دوست دارند وارد سینما شوند و فیلم کوتاه بسازند.

به گزارش صبا، عادل تیریزی، از فیلم‌سازان فعال حوزه فیلم کوتاه،

در باره نحوه ورود خود به عرصه سینما گفت: از سال ۸۰ به‌عنوان دستیار کارگردان وارد سینما شدم و در کنار بزرگانی همچون مسعود کیمیایی، داریوش مهرجویی و رسول صدرعاملی کار کردم و هم‌زمان فیلم کوتاه هم ساختم. این فیلم‌ساز مشهدی بیان کرد: رویدادهایی چون جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران مهم‌ترین اتفاق فیلم کوتاه است. من همیشه وقتی فیلم کوتاه می‌ ساختم، فکر می‌کردم اولین جایی که باید فیلمم دیده شود انجمن سینمای جوان است.

وی درباره تفاوت ساخت فیلم کوتاه و بلند سینمایی برای فیلم‌سازان گفت: سینما، سینما ست و قصه‌ای می‌طلبد که در زمانی کوتاه روایت و داستان دیگری در زمانی طولانی‌تر ساخته شود. جذابیت سینما به همین است و اگر قصه‌ای به ذهنم برسد که نیاز باشد در قالب یک فیلم کوتاه یا بلند پرداخته شود، به‌سراغ هر کدام خواهم رفت، زیرا همه این‌ها برابر با تعریف سینماست. همچنین فیلم کوتاه جرقه بزرگی برای رسیدن به هیجانات سینمایی است که در درون ما فیلم‌سازان وجود دارد.

چارسوق هنر

پخش سریال «سووشون» در نمایش خانگی



سریال نمایش خانگی «سووشون»، اقتباسی از رمان پسر آوازه سیمین دانشور و به کارگردانی نرگس آبیار در جدول پخش نماوا قرار گرفت. تاریخ پخش این سریال که بیش از یک سال از شروع فیلم‌برداری‌اش می‌گذرد، به‌زودی اطلاع‌رسانی خواهد شد.

۷ فیلم غیر سینمایی مجوز ساخت گرفتند



شورای صدور پروانه ساخت آثار غیرسینمایی با ساخت سه عنوان فیلم کوتاه داستانی و دو عنوان فیلم بلند داستانی غیر سینمایی موافقت کرد. در گزارش مهر، در جلسات اخیر شورای پروانه ساخت آثار غیرسینمایی،

با ساخت فیلم‌های کوتاه داستانی «خطر اصلاح ناتمام، به کارگردانی جعفر پاشای کتابی، «سه نقطه زندگی، به کارگردانی آرتین هارطون پوری آذر، «شکار، به کارگردانی سعید ساکی، فیلم‌های بلند داستانی «کاروان پیاده لردگان، به کارگردانی کیومرث نوروزی مصیر و «جست و جوجر، به کارگردانی داوود ابراهیمی موافقت شد. همچنین فیلم‌های مستند «گاه ردیف، به کارگردانی علیرضا فراهانی سامنی و «حضرت شانس» به کارگردانی بهنام نجم‌الدین موفق به کسب پروانه ساخت غیرسینمایی شدند.

سرانجام مبهم آخرین سریال کیانوش عیاری



بعد از گذشت چند ماه از تصمیم تلویزیون برای پخش سریال «۸۷ متر» در شبکه نمایش خانگی و عرضه آن از یکی از پلتفرم‌ها هنوز این اتفاق خبری نیست و اینکه چه سرانجامی در انتظار آخرین سریال کارگردان با سابقه سینماست، دقیقاً مشخص نیست. سریال «۸۷ متر» سال ۹۵ کلید خورد و بعد از وقفه‌های چندباره در روند تولید که پاره‌ای از آن به کمبود بودجه نسبت داده شد و بخشی از آن به مشکل کرونا، در نهایت زمستان ۹۹ بود که عیاری موفق شد تصویربرداری سریالش را به اتمام برساند. بازبینی‌ای چون علی دهکردی، مهران رجبی، شهین تسلیمی، فریده سپاه‌منصور، محمد بحرانی، داریوش گردان، زنده‌یاد علی انصاریان، حسین سلیمانی و فریبا کامران در سریال «۸۷ متر» ایفای نقش کرده‌اند.

آخرین وضعیت تولید «صبح اعدام» بهروز افخمی



فیلم‌برداری «صبح اعدام»، تازه‌ترین ساخته بهروز افخمی، با اتمام فیلم‌برداری بخش‌های داخلی، از نیمه گذشت. «صبح اعدام» برشی از لحظات پایانی زندگی طیب حاج رضایی و اسماعیل رضایی است که در پی قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ محکوم به اعدام شدند. داستان این فیلم در فاصله زمانی ساعت ۵ تا ۶:۳۰ صبح این روز روایت می‌شود.